یادداشت روز

رژیم صهیونیستی، غرق در تنش‌ها

رژیم صهیونیستی با روی کار آمدن دوباره «بنیامین نتانیاهو» در دور باطل قرار گرفته است. دلیل آن این است که فضای سیاسی داخل رژیم انباشته از تعارض شده است. این سطح تعارض طی چند سال گذشته، سبب کوتاه شدن عمر دولت‌ها و پارلمان‌های این رژیم شده و هم‌اینک یک بار دیگر کابینه و پارلمان آن در معرض سقوط قرار داده است. در این سال‌ها دولت‌ها، ائتلاف ناقصی از چپ و سکولار یا راست و تلمودی‌ها بوده و هرگاه از یکی از این دو دسته، ائتلافی صورت گرفته، دسته دیگر بلافاصله برای اسقاط آن، دست به کار شده و آن را متلاشی کرده است. هم‌اینک دولت نتانیاهو ترکیبی از راست سنتی و تلمودی‌ها ـ صهیونیست‌های مذهبی ـ است و هنوز دو هفته از عمر آن نگذشته، کانال ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد، همین حالا اگر انتخابات برگزار شود، تعداد کرسی‌های ائتلاف نتانیاهو ـ بن گویر از اکثریت می‌افتد و تعداد کرسی‌های آن از ۶۴ به ۵۸ تنزل می‌کند از سوی دیگر چندین شب است هواداران جریان رقیب مقابل ساختمان نخست‌وزیری تجمع کرده و خواهان استعفای «نتانیاهوی فاسد» شده‌اند.

کابینه نتانیاهو از درون هم دچار تعارض است. اصولاً ترکیب جریان ضددینی لیکود با احزاب افراط‌گرایی یهودی یک ترکیب متعارض و ناهمگن است ـ حزب لیکود هیچ نسبتی با تعلیمات مذهبی ندارد و به آن بی‌اعتقاد است در حالی که احزاب تلمودی «آرمان‌شهر» خود را یک نظام سیاسی بر بنیاد آموزه‌های تلمود می‌دانند. کابینه نتانیاهو ترکیب ۳۶ کرسی حزب راست‌گرای لیکود و ۲۸ کرسی چهار حزب مذهبی می‌باشد. این ترکیب در عین اینکه در نقطه مقابل احزاب دیگر است، در درون نیز در وضعیت رقابت با احزاب شکل‌دهنده دولت می‌باشد. بر همین اساس اکثر تحلیلگران و ناظران معتقدند عمر این کابینه به بیش از یک سال نمی‌رسد.

بنیامین نتانیاهو در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بوده و هم‌اینک ششمین دولت خود را تشکیل داده است. اولین دولت او زیرفشار سخت مقاومت لبنان و مبارزان غزه قرار داشت و رژیم اسرائیل یک سال پس از پایان اولین دوره نخست‌وزیری نتانیاهو ناگزیر شد پس از تحمل صدها کشته لبنان را کاملاً رها کند. کمااینکه ارتش اسرائیل در دولت‌های دوم و سوم نتانیاهو چندین بار از ساکنان غزه در جنگ شکست خورد. بنابراین نتانیاهو نمی‌تواند برای ساکنان سرزمین اشغالی فلسطین، دستور کار جدید رژیم غاصب تلقی گردد. اما در عین حال باید گفت او در میان شخصیت‌های موجود این رژیم، «قوی‌ترین» به حساب می‌آید. حال رژیم غاصب مانده است و آخرین تدبیری که می‌توانسته برای برون‌رفت از شرایط ارائه نماید. به عبارت دیگر می‌توان گفت نتانیاهو در عین اینکه به دلیل قرار داشتن در جایگاه رئیس‌دولت طی ۲۶ سال گذشته، «پدیده» نیست، آخرین تیر ترکش رژیم صهیونیستی و همه تدبیر آن است.

ترکیب «کابینه امنیتی» رژیم صهیونیستی هم از نگرانی‌های فزاینده آن حکایت می‌کند. «امنیت» حساس‌ترین دستور کار یک دولت است و دولت‌های پایدار و مستحکم، عنان ساختارهای امنیتی خود را به عناصر پخته‌تر و باتجربه ممتد می‌دهند و زمانی که در این ساختارها، عناصر تازه‌کار و افراطی منصوب می‌شوند، بیانگر بهم‌ریختگی جدی رژیم می‌باشد. در کابینه جدید رژیم صهیونیستی، یهودی‌های تندرو و تازه‌کار وارد کابینه امنیتی شده‌اند. رئیس‌موساد، وزیر امنیت داخلی و وزیر جنگ از این قبیل‌اند و در این بین «ایتمار بن گویر» رهبر حزب «عوتسما یهودیت» وزیر امنیت داخلی است. این نیروهای تازه‌کار خشونت‌گرا، از یک‌سو با احزاب چپ و سکولار خود رژیم مواجه هستند؛ از یک‌سو با عرب‌های ساکن در سرزمین‌های ۱۹۴۸ روبه‌رو می‌باشند و از سوی دیگر با فلسطینی‌های ساکن قدس، غزه و کرانه باختری مواجه هستند. انتصاب این افراد تنش‌های سیاسی و امنیتی را در این سه ضلع افزایش می‌دهد ضمن آنکه در محیط منطقه‌ای هم با مخالفت جدی همه همسایگان ـ لبنان، سوریه، مصر و اردن ـ مواجه‌اند و از منظر کل حوزه عربی هم یک تهدید امنیتی برای همه منطقه محسوب می‌شوند. در عرصه بین‌المللی هم با علامت‌های منفی کشورهای اروپایی سروکار دارند. رژیم صهیونیستی در شرایط فعلی که از یک‌سو تنش سیاسی بین احزاب اسرائیل بالا گرفته است و از سوی دیگر سرزمین‌های غزه، کرانه و قدس ملتهب می‌باشند، با ترکیب جدید نه تنها نسخه‌ای برای کاهش تنش‌ها ندارد بلکه خود به آشوب‌ها ضریب می‌دهد.

توسعه شهرک‌های صهیونیستی در قدس، کرانه باختری و نقب که احزاب تندرو یهودی شعار آن را داده‌اند، رژیم اسرائیل را به پرتگاه امنیتی سوق می‌دهد. همین الان حدود نیمی از ارتش رژیم، برای کنترل کرانه باختری به‌کار گرفته شده‌اند و در همان حال آمارها بیانگر آن است که طی ده ماه اول سال گذشته میلادی (۲۰۲۲) لااقل ۲۰۰ اقدام نظامی با استفاده از سلاح گرم توسط فلسطینی‌های ساکن در کرانه باختری علیه رژیم اسرائیل به اجرا درآمده و یک آمار دیگر بیانگر آن است که طی این مدت حدود ۷۰۰ نفر از افراد ارتش و ساکنان شهرک‌های صهیونیستی، به دست فلسطینی‌ها کشته یا زخمی شده‌اند.

توسعه اقدامات تجاوزکارانه رژیم یعنی گسترش شهرک‌سازی‌ها، بقیه ارتش رژیم را هم در جغرافیای داخلی درگیر می‌کند و از آنجا که این درگیری حتماً طولانی و فرسایشی خواهد بود، از یک‌سو باعث مستهلک شدن ارتش و از سوی دیگر سبب نارضایتی اعضای آن از سیاست‌های دولت شده و باعث فرار آنان از خدمت و بعضاً رویارویی با فرماندهان خود می‌شود. یک گزارش بیانگر آن است که طی سال ۲۰۲۱ لااقل ۱۵ مورد تمرد گسترده در پادگان‌ها و یگان‌های ارتش رژیم رخ داده است. ادامه چنین وضعیتی، دیواره دفاعی رژیم صهیونیستی را در شمال و شمال شرقی تضعیف می‌کند و این می‌تواند به یک تهدید واقعی و گسترده برای این رژیم تبدیل گردد. این یک هدیه ویژه به واحدهای مقاومت اسلامی در لبنان، سوریه و غزه به حساب می‌آید.

بعضی از ناظران سیاسی و امنیتی گفته‌اند، وضع امنیتی به‌هم ریخته و شکاف‌های رو به تزاید سیاسی اسرائیل، لاجرم ارتش آن را به سمت درگیری در محیط پیرامونی سوق می‌دهد. از داخل حکومت و به‌ویژه عناصر کابینه امنیتی رژیم اسرائیل نیز سخنانی مطرح‌شده که از احتمال گسترش درگیری‌های اسرائیل در محیط برون‌مرزی خبر می‌دهند. اما واقعیت چیست؟ سیدحسن نصرالله در سخنان خود در توصیف عناصر دولت جدید اسرائیل از واژه «دیوانه» استفاده کرد. بعضی از این تعبیر نتیجه گرفتند که دبیرکل حزب‌الله احتمال می‌دهد اقدامات برون‌مرزی ارتش اسرائیل افزایش پیدا کند. بدون تردید رژیم صهیونیستی شرایط آرام داخلی و وحدت احزاب و دستگاه‌های حکومتی را در اختیار ندارد و این اولین پیش‌نیاز ورود به فاز اقدامات گسترده‌تر نظامی است. الان بنیامین نتانیاهو حتی اگر دست به اقدام نظامی علیه یکی از اضلاع جبهه مقاومت بزند، قادر به همراه کردن مخالفان جدی خود در داخل نیست. در درون ارتش و سیستم امنیتی رژیم، جمع‌بندی جنگ و تشدید تنش‌های امنیتی وجود ندارد. نتانیاهو به‌خصوص در به نتیجه‌رساندن درگیری هم توانایی ندارد و مهم‌ترین دلیل آن شکست‌های پی‌درپی اسرائیل در جنگ‌های غزه و زمانی است که او ریاست کابینه رژیم را در اختیار داشته است. اگر جنگی شروع شود و یا تشدید حملات منطقه‌ای به اضلاع مقاومت اتفاق بیفتد، مخالفان یهودی نتانیاهو او را شماتت خواهند کرد. کمااینکه در چند هفته پیش یعنی در زمانی که نتانیاهو تنها از لزوم اقدام نظامی علیه ایران سخن گفت، مخالفان او در احزاب چپ و سکولار نتانیاهو را متهم کردند که امنیت و موجودیت اسرائیل را به گروگان گرفته و به نفع خود و حزبش قربانی می‌نماید.

اگرچه از «دیوانه» هر کاری برمی‌آید و باید هوشیاری لازم در جریان مقاومت وجود داشته باشد، اما تمام قرینه‌ها و شواهد بیانگر آن هستند که ورود رژیم صهیونیستی به فاز تشدید تنش‌ها، موقعیت آن را بیش از پیش تخریب می‌کند و فضای مناسبی را برای وارد کردن ضربه‌های سنگین‌تر در اختیار نیروهای مقاومت قرار می‌دهد. نتانیاهو سخنان سیدحسن نصرالله را به یاد دارد که گفت اگر جنگی شروع شود، جنگی منطقه‌ای و پرشدت درمی‌گیرد و آخرین جنگ منطقه خواهد بود.

سعدالله زارعی

در کمتر از ۶ ماه صورت گرفت

ضرب شست وزارت اطلاعات به موساد
با انهدام ششمین شبکه اشرار و تروریست‌های اجاره‌ای

سربازان گمنام امام عصر(عج) دومین ضرب‌شست خود را به موساد تحمیل کردند. تعداد تیم‌های جاسوسی شناسایی شده موساد به ۶ تیم طی ۶ ماه اخیر افزایش یافت.

سازمان جاسوسی موساد گرفتار سرپنجه‌های اقتدار اطلاعاتی ایران و سربازان گمنام امام عصر(عج) شده است. این گمنامان مورد عنایت امام عصر(عج)، دومین شکست بزرگ اطلاعاتی و عملیاتی در کمتر از ۶ ماه اخیر را به رژیم جعلی و موقت صهیونیستی تحمیل کردند. اول دی‌ماه، وزارت اطلاعات از شناسایی و بازداشت ۴ تیم عملیاتی سازمان جاسوسی موساد با تلاش‌های حرفه‌ای و خستگی‌ناپذیر سربازان گمنام امام زمان(عج) خبر داد و افزود: رژیم جعلی و جنایتکار صهیونیست با سوءاستفاده از اغتشاشات هفته‌های گذشته در چند نقطه کشور، درصدد بود با هدایت تیم‌های عملیاتی اقدام به چند مورد عملیات تروریستی ترکیبی نماید که همه تروریست‌ها پیش از هرگونه اقدامی بازداشت شدند. ضمناً سرنخ‌هایی از سرپل موساد در یک کشور اروپایی نیز به دست آمد که به محض تکمیل تحقیقات، نتایج اعلام خواهد شد.

در ادامه مجاهدت شبانه‌روزی سربازان گمنام امام عصر(عج)، ۲ تیم دیگر موساد نیز زیر ضربه رفتند و تعداد تیم‌های دستگیر شده به ۶ تیم رسید. وزارت اطلاعات دیروز در اطلاعیه‌ای ضمن اعلام این خبر اعلام کرد: پیرو اطلاعیه اول دی‌ماه این وزارتخانه درخصوص ضربه به چهار تیم عملیاتی سازمان جاسوسی- تروریستی موساد، به استحضار ملت بزرگ ایران می‌رساند که با مجاهدت‌های شبانه‌روزی سربازان گمنام امام زمان(عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف)، تعداد تیم‌های شناسایی شده به ۶ تیم افزایش یافت.

در این شبکه تروریستی همچنین ۲۳ نفر از عناصر عملیاتی و پشتیبانی در استان‌های تهران، اصفهان، یزد، آذربایجان‌غربی و گلستان، شناسایی و تاکنون ۱۳ نفر که در داخل کشور حضور داشتند، دستگیر و تجهیزات مختلف عملیاتی آنها نیز کشف و ضبط گردید.

در ادامه این اطلاعیه نیز آمده است: سرپل این شبکه با نام مستعار «سیروس» در یکی از کشورهای اروپایی اقامت داشته و از طریق شبکه‌های اجتماعی «اینستاگرام» و «واتس‌آپ» اقدام به شناسایی و برقراری ارتباط اولیه با عناصر عملیاتی داخل کشور می‌نمود. طبق آخرین یافته‌ها، سازمان جاسوسی- تروریستی موساد با هدف بهره‌گیری از فضای اغتشاشات اخیر در برخی نقاط کشور، درصدد ترور یک مقام نظامی و انجام چندین عملیات خرابکاری در شهرهای بزرگ کشور و نیز انتقال مواد منفجره در مقیاس بالا از مرزهای دریایی جنوب کشور بود که بحمدالله کلیه عناصر عملیاتی و پشتیبانی، شناسایی از هر اقدامی شناسایی و مورد ضربه قرار گرفتند.

وزارت اطلاعات افزود: بدین ترتیب این دومین شکست بزرگ اطلاعاتی و عملیاتی رژیم جعلی و موقت صهیونیستی در کمتر از ۶ ماه گذشته بود که همچون همیشه با پاسخ قاطع دلاورمردان فداکار و همیشه بیدار حافظ امنیت جمهوری اسلامی ایران مواجه شده و خواهد شد.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: خروج از برجام بزرگ‌ترین اشتباه راهبردی واشنگتن بود

سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده بار دیگر اذعان کرد خروج دونالد ترامپ(رئیس‌جمهور سابق) از توافق هسته‌ای، بزرگ‌ترین اشتباه راهبردی سیاست خارجی واشنگتن طی سال‌های اخیر محسوب می‌شود.

«نِد پرایس» سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا با نادیده گرفتن اراده ایران برای مذاکره با گروه موسوم به ۵+۱ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین به‌علاوه آلمان)، فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را عامل وادار کردن تهران برای مذاکره با کشورهای مذکور دانست.

وی در این خصوص گفت: «آن‌چه در نهایت ایران را به میز مذاکره آورد، تغییر راهبردی ذهنیت این رژیم نبود. بلکه من فکر می‌کنم درک این موضوع بود که آنها تحت فشار اقتصادی شدید قرار گرفته بودند و برنامه هسته‌ای آنها در آن‌زمان به جای آن‌که برایشان یک دارایی راهبردی باشد، یک مسئولیت راهبردی بود.»

طبق این گزارش، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در ادامه ضمن انتقاد از سیاست یک‌جانبه «فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران گفت: «این اقدام به وضوح کارساز نبود. تاریخ به ما آموخته است که فشار اقتصادی زمانی بیشترین کارایی را دارد که در هماهنگی با دیگر شرکا و متحدان باشد بنابراین به همین دلیل است که ما برای همکاری با متحدان دست پیدا کند، این بود که با متحدان و شرکای خود در سراسر جهان برای اعمال فشار اقتصادی چشمگیر به ایران همکاری کرد.

سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا با نادیده گرفتن اراده ایران برای مذاکره با گروه موسوم به ۵+۱ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین به‌علاوه آلمان)، فشار اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را عامل وادار کردن تهران برای مذاکره با کشورهای مذکور دانست.

وی در این خصوص گفت: «آن‌چه در نهایت ایران را به میز مذاکره آورد، تغییر راهبردی ذهنیت این رژیم نبود. بلکه من فکر می‌کنم درک این موضوع بود که آنها تحت فشار اقتصادی شدید قرار گرفته بودند و برنامه هسته‌ای آنها در آن‌زمان به جای آن‌که برایشان یک دارایی راهبردی باشد، یک مسئولیت راهبردی بود.»

طبق این گزارش، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در ادامه ضمن انتقاد از سیاست یک‌جانبه «فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران گفت: «این اقدام به وضوح کارساز نبود. تاریخ به ما آموخته است که فشار اقتصادی زمانی بیشترین کارایی را دارد که در هماهنگی با دیگر شرکا و متحدان باشد بنابراین به همین دلیل است که ما برای همکاری با متحدان و شرکای اروپایی به‌خصوص تروئیکای اروپا آلمان، انگلیس و فرانسه ارزش قائل شدیم.»

به گزارش فارس، پرایس در ادامه بر تلاش ایالات متحده برای تشدید فشارها به جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد و گفت: «با این حال همچنین با دیگر متحدان و شرکای اروپایی دیگر در سراسر جهان همکاری خواهیم کرد تا شاهد باشیم تا زمان تغییر رویکرد ایران، این رژیم محکومیت‌ها و حتی به طور مهم‌تر فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک سایر نقاط جهان را حس خواهد کرد و با آن مواجه خواهد بود».

جیک سالیوان: توافق با ایران در حال حاضر اولویت ما نیست

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید هم روز دوشنبه تصریح کرد که توافق با ایران درخصوص برنامه هسته‌ای این کشور در حال حاضر در اولویت دولت «جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا نیست.

طبق گزارش خبرگزاری رویترز، سالیوان در جریان سفر به مکزیک همراه با جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا گفت دولت ایالات متحده این را روشن کرده که توافق هسته‌ای با ایران در حال حاضر در اولویت نیست.

وی با وجود این تصریح کرد دولت آمریکا کماکان معتقد است که دیپلماسی بهتری مسیر حصول اطمینان از دست نیافتن ایران به «سلاح هسته‌ای» است.

جیک سالیوان در بخش دیگری از اظهاراتش ادعاهای تکذیب شده درباره تحویل پهپاد از سوی ایران به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین را تکرار کرده و مدعی شده تهران ممکن است با این اقدام «در جرائم جنگی گسترده» نقش داشته باشد.

سالیوان مدعی شد: «ایران انتخاب کرده قدم در مسیری بگذارد که از سلاح‌هایش برای کشتن غیرنظامیان در اوکراین استفاده شود و شهرهای اوکراین را در وضعیت سرد و تاریک فرو ببرد که این اقدام از نظر ما ایران را در وضعیتی قرار می‌دهد که احتمالاً این کشور در جرائم جنگی گسترده سهیم باشد.»

مشاور امنیت ملی کاخ سفید در ادامه به تحریم‌های اروپا و آمریکا علیه ایران در ارتباط با همین موضوع اشاره کرده و گفته اینها مصادیق اقداماتی هستند که آمریکا و اروپا در تلاش هستند این مراودات میان ایران و روسیه را کاهش دهند.

جیک سالیوان همچنین گفته در سفرش به فلسطین اشغالی با مقام‌های جدید کابینه رژیم صهیونیستی درخصوص «تهدید ایران» رایزنی خواهد کرد.

گفت و شنود

یخچال بود!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: یکی از ضدانقلابیون فراری که در شبکه فارسی‌زبان «سعودی اینترنشنال»! کار می‌کند، در تماس با برادرش در «....» فاش کرده که مدیر اسرائیلی این شبکه، حسابی از دست «علی‌اصغر رمضان‌زاده» سردبیر این شبکه عصبانی شده و او را بی‌عرضه و شارلاتان نامیده است.

گفت: چرا؟! برای چی؟!

گفتم: مدیر اسرائیلی شبکه سعودی که یک صهیونیست ایرانی‌تبار است به رمضان‌زاده اعتراض کرده که در تهیه گزارش و خبر ناشیانه عمل کرده و اعتبار این شبکه را از بین برده است! و سرش فریاد کشیده که خطر ایران را دست‌کم گرفته‌ای؟ و...

گفت: این حیوونکی که خودش را کارشناس رسانه معرفی می‌کرد؟! چی شد که اینجوری شد؟!

گفتم: یارو که در یک خونه مهمون بود، به صاحب خونه گفت؛ عجب سرویس بهداشتی مدرنی دارید؟! واردش که شدم، چراغش به طور اتوماتیک روشن شد و خارج که شدم خاموش شد! صاحب خونه گفت؛ مرتیکه الدنگ! بی‌شعور! اون یخچال بود! رفتی توی یخچال کثافتکاری کردی!

خبرگزاری فرانسه:

ایرانی‌ها شعار «فرانسه ننگت باد» سر دادند

رسانه فرانسوی در گزارشی به تجمع شهروندان ایرانی مقابل سفارت فرانسه در تهران به نشانه اعتراض به گستاخی مجله «شارلی ابدو» اشاره کرد و نوشت، در این تجمع پرچم فرانسه آتش زده شد.

به گزارش فارس، یک رسانه فرانسوی روز دوشنبه در گزارشی به تجمع شهروندان ایرانی مقابل سفارت فرانسه در تهران به نشانه اعتراض به گستاخی مجله «شارلی ابدو» اشاره کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه شماری از ایرانی‌ها روز یکشنبه مقابل سفارت فرانسه در مرکز تهران تجمع کردند و اعتراض خود را به انتشار کاریکاتورهای موهن توسط هفته‌نامه طنز شارلی ابدو نشان دادند.

بر اساس این گزارش، جمعیت حاضر مقابل سفارت در مرکز تهران پرچم‌های فرانسه را آتش زدند. جمعیت حاضر مقابل سفارت فرانسه شعار می‌دادند: «فرانسه، ننگت باد»! معترضان با تکان دادن پرچم‌های ایران، تصاویری از حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران و تابلوهایی با مضمون «جانم فدای رهبر» و «شارلی ابدو شرمنده» در دست داشتند. یک طلبه ۱۷ ساله حوزه علمیه حاضر در این تجمع مردمی گفت: «برای حمایت از انقلابم و رهبرم آمده‌ام.» ایران در مورد انتشار کاریکاتورهای توهین‌آمیز و ناشایست در شماره ویژه این هفته‌نامه به مناسبت سالگرد حمله سال ۲۰۱۵ به دفاتر این مجله در پاریس که در آن ۱۷ نفر کشته شدند، به فرانسه هشدار داده است.

ایران پنجشنبه گذشته پس از احضار سفیر فرانسه در تهران در اعتراض به این نشریه، به عنوان اولین گام در واکنش به این کاریکاتورها موسسه ایران‌شناسی فرانسه در تهران را تعطیل کرد.

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه در نشست هفتگی با خبرنگاران در این باره گفت: «در این ارتباط هم اعلام موضع کرده و هم اقدام عملی دیپلماتیک را انجام دادیم. بیانیه‌ای در همین ارتباط وزارت خارجه منتشر کرد. بلافاصله بعد از این اقدام، سفیر فرانسه در تهران را به وزارت خارجه احضار و اعتراض رسمی دولت ایران را به وی ابلاغ کردیم.» سخنگوی وزارت خارجه بیان کرد: «اقدام این نشریه فرانسوی مصداق بارز نفرت‌پراکنی، توهین به ارزش‌ها و مقدسات دیگر ملت‌ها به ویژه ملت‌های مسلمان و مصداقی از خشونت‌طلبی و تحریک به خشونت بود.» به گفته کنعانی همزمانی این اقدام این نشریه با اقدام رژیم صهیونیستی و دولت غاصب صهیونیستی در هتک حرمت مسجدالاقصی نشانه‌ای از این است که دست صهیونیست‌ها در ورای چنین اقدامی دیده می‌شود.

خبر ویژه

عوام‌فریبی با وعده‌های غرب به جای عبرت از کلاهبرداری برجامی آن

نماینده سابق مجلس و از متهمان بزک کردن برجام می‌گوید منافع ملی، مظلوم‌ترین مفهوم در ایران است.

حشمت‌اله فلاحت‌پیشه در گفت‌وگو با روزنامه شرق اظهار داشت: من معتقدم «مظلوم‌ترین مفهوم در ایران منافع ملی است». متأسفانه به‌دلیل افراط و تفریط جریان‌ها، چهره‌ها، افراد و احزاب مظلومیت منافع ملی در ایران به حد اعلا رسیده است. به همین دلیل چه کسانی که اکنون با تغییر فاز سیاسی دم از مذاکره می‌زنند و تا پیش از این مذاکرات و دولت مذاکره‌کننده را بی‌غیرت، جاسوس و... می‌دانستند و چه کسانی که کماکان بر طبل عدم مذاکره می‌کوبند، به هیچ وجه درک درستی از منافع ملی نداشته و ندارند و تنها براساس منافع شخصی و حزبی رفتار می‌کنند. در همین چند دهه اخیر چه بسیار افراد و سیاستمدارانی بودند که به خاطر دلسوزی برای منافع ملی مورد هجمه، انتقاد، توهین و تهدید قرار گرفتند، اما سال‌ها بعد روشن شد که نظرات و ایده‌هایشان تا چه اندازه دلسوزانه و منطبق با منافع ملی بوده است. ولی همین افراد را با فشار و ارعاب از دایره تصمیم‌گیری خارج کردند و نهایتا بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی‌ها را برای ایران رقم زدند. به واقع کمتر کشوری در دنیای امروز وجود دارد و حتی من می‌گویم هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که مانند ایران فرصت‌های خود را یکی پس از دیگری به راحتی از دست بدهد. بسیاری از همین کشورهای همسایه فرصت‌های ایران را به راحتی از چنگ ما ربودند. قرار بود بعد از برجام حدود ۷۰ میلیارد یورو در حوزه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری شود، اما نه‌تنها این سرمایه‌گذاری شکل نگرفت بلکه تمام این فرصت‌ها توسط همسایگان ما در حاشیه خلیج فارس از عراق و کویت تا قطر، امارات، عمان و... به تاراج رفت. اکنون عواقب و آثار این فرصت‌سوزی‌ها از آلودگی هوا تا مشکلات معیشتی و اقتصادی بروز و ظهور کاملی پیدا کرده است. همه اینها نشان‌دهنده مظلومیت منافع ملی در ایران است.

وی اضافه کرد: واقعیت امر آن است که از قبل هم قابل پیش بینی بود کسانی که جریان اصلی مخالف برجام بودند و توافق هسته‌ای را به منطقه ممنوعه سیاسی و دیپلماتیک در ایران بدل کرده بودند، وقتی مسئول مذاکرات احیای برجام شدند، نه‌تنها مذاکرات، بلکه کل دیپلماسی را به یک انجماد خواهند رساند تا جایی که ما شاهد یک انجماد بسیاری بی‌سابقه در سیاست خارجی هستیم. به‌دلیل همان مظلومیت منافع ملی و فرصت‌سوزی‌های ایران، دو کشور چین و روسیه نهایت سوءاستفاده و مفت‌بری خود را از سیاست خارجی ایران کردند و تهران را عملا به گروگان منافع خود بدل کرده‌اند، تا جایی که من همین الان که با «شرق» مصاحبه می‌کنم دولت رئیسی مجبور شده است به‌دلیل مفت‌بری روس‌ها و چینی‌ها، روزانه، تاکید می‌کنم میلیاردها تومان تخفیف فروش نفت برای پکن داشته باشد که کشور بتواند به یک حداقلی از درآمد فروش نفت در جهت گذران امور یومیه مملکت دست یابد. آیا این در شأن جمهوری اسلامی ایران و ملت شریف و باعزت ایران است؟! آیا با توجه به ذخایر گسترده و عظیم انرژی و معدنی و همچنین موقعیت بی‌بدیل ژئوپلیتیک در منطقه غرب آسیا جای تأسف نیست که مردم در این وضعیت سخت و بحران بی‌بدیل دست و پا بزنند؟!

این نماینده سابق مجلس از طیف حامیان دولت روحانی توضیح نداده که «قرار بوده بعد از برجام، ۷۰ میلیارد یورو در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی ایران سرمایه‌گذاری شود»، دقیقاً یعنی چه؟! ماجرا روشن است طرف‌های غربی در مذاکرات برجامی، وعده‌های دهان‌پرکن و فریبنده بسیاری دادند و با همین وسوسه، تیم روحانی را وادار کردند که امتیازات نقد و بازگشت‌ناپذیری مانند ویرانی راکتور آب‌سنگین اراک، از هم گسیختن ۱۵ هزار سانتریفیوژ فعال از مجموع ۱۹ هزار سانتریفیوژ، خارج کردن ۹۷۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده از ایران و تعیین سقف ۳۰۰ کیلوگرمی و... را واگذار کند. در مقابل توافق‌هایی را روی کاغذ در حوزه نفت و فروش هواپیما آوردند که مانند خود برجام، فاقد کمترین ضمانت و پیش‌بینی خسارت (در صورت نقض توافق) بود و بنابراین به راحتی از سوی غربی‌ها زیر پا گذاشته شد.

روشن است که در اینجا، بزک‌کنندگان و امضاکنندگان برجام، در روند کلاهبرداری غرب مقصر بوده‌اند و باید مواخذه شوند، نه اینکه زبان‌درازی کنند و وعده‌های فریبکارانه طرف غربی را همچنان- ۷ سال پس از آن کلاهبرداری بزرگ- برای مردم فاکتور کنند و به دولتمردان فعلی که حاضر نشده‌اند به کلاهبرداری برجامی غرب، ابعاد جدیدی بدهند، تهمت بزنند.

موضوع دوم این است که متهمان تنظیم نامتوازن و خسارت‌بار متن برجام در دولت روحانی و مجلس دهم (از جمله همین نماینده سابق) به جای اعتراف به اینکه بد مذاکره کردند، به دشمن اعتماد کردند و سرشان کلاه رفت، دوگانه جعلی درباره موافقان مذاکره- مخالفان مذاکره می‌سازند و براساس این دوگانه موهوم، به منتقدان حمله می‌کنند.

در کدام آکادمی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تایید می‌کنند که کسانی به اسم مذاکره، به طرف مقابل بگویند خزانه ما خالی است و آماده توافق به هر قیمت هستیم؟ یا در عمل به طرف مقابل بگویند شما هر بلایی هم که سر توافق بیاورید، باز هم ما پای آن می‌مانیم و یکطرفه اجرا می‌کنیم؟ یا اینکه پای توافقی را امضا می‌کنند که تعهدات خودشان نقد، برگشت‌ناپذیر، روشن است و به لحاظ زمانی قبل از آغاز روز اجرای توافق باید اجرایی شود، اما تعهدات طرف مقابل، نسیه، مبهم، برگشت‌پذیر، فاقد ضمانت اجرا، و فاقد مکانیسم شکایت و دریافت خسارت، در صورت عهدشکنی است؟!

درست در زمانی که کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس دهم- چهل روز پس از بررسی دقیق کارشناسی از ابعاد مختلف- درباره منافذ و معایب برجام هشدار می‌داد، امثال همین آقای نماینده مشغول شانتاژ و هیاهو برای تصویب و اجرای سریع برجام بودند اما حالا که هم بخش اعظم برنامه هسته‌ای را بر باد داده و هم تحریم‌ها را دو برابر کرده‌اند، می‌گویند منافع ملی، مظلوم‌ترین واژه در ایران است(!)

نکته بعدی، علت بن‌بست مذاکرات است که آقای فلاحت‌پیشه درست هماهنگ با ادبیات محافل سیاسی آمریکا و اروپا، طرف ایرانی را متهم می‌کند، بی‌آنکه یادآور شود برجام یک‌بار زیر پای طرف غربی قرار گرفت و بنابراین به آن شکل سیاهچاله‌ای سابق، قابل احیا نبود. و طبیعی بود که دولت رئیسی، به جبران کم‌کاری‌های دولت سابق، خواستار تعیین تکلیف لغو پایدار و مؤثر تحریم‌ها و تضمین معتبر برای احیای توافق باشد.

در موضوع درآمدهای کشور و فروش نفت و ادبیات موهن این نماینده سابق مجلس نیز باید به یاد وی و امثال او آورد که فروش نفت در دولت برجام به کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه کاهش یافته و رئیس سازمان برنامه و بودجه مدعی بود امکان فروش یک قطره نفت وجود ندارد. آقای فلاحت‌پیشه در آن موقع باید احساس توهین و تحقیر می‌کرد، نه اکنون که فروش نفت به نسبت آن زمان ۷ برابر شده و صادرات غیرنفتی بالغ بر ۴۰ درصد افزایش یافته است. در مورد عزت مردم نیز باید آغاز و فرجام دولت برجام را با دو تصویر تداعی کرد؛ واگذاری تحقیرآمیز سبد کالا با چند نفر کشته و ده‌ها زخمی، و تشکیل صف‌های طولانی و پرازدحام برای خریدن مرغ، در روزگاری که مثلا وضعیت قرنطینه کرونایی بود و روزانه ۷۰۰ نفر قربانی می‌شدند. دولت آن زمان، قرارگاه مرغ تشکیل داده بود و وضعیت چنان بود که گفته شد.

دولت برجام برخلاف تبلیغات در جذب سرمایه خارجی ناموفق بود

برخلاف فضاسازی محافل حامی، دولت قبل در جذب سرمایه خارجی موفق نبود.

درباره این ارزیابی، روزنامه ایران در تحلیلی نوشت: چند وقت پیش یکی از روزنامه‌ها تیتر اول خود را به مقایسه آمار سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۹۵، سال اول اجرای برجام و یک سال ابتدایی دولت مردمی اختصاص داده بود. عملکرد یک سال اول دولت مردمی در صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری که ابطال نشده و معتبر هستند (به معنای اینکه سرمایه‌گذار خارجی فعالیت خود را آغاز کرده و انتقال سرمایه به ایران آغاز شده است) در حدود ۵ میلیارد دلار بوده و این عدد در سال ۹۵ در حدود ۱.۷ میلیارد دلار بوده است.

مقایسه این دو آمار نشان می‌دهد که عملکرد سال اول دولت مردمی بیش از ۳ برابر عملکرد سال اول برجام است. عملکرد سال ۱۳۹۶ نیز در حدود ۲.۶ میلیارد دلار است و در سال ۹۷ که سال خروج آمریکا از برجام است این عدد به زیر یک میلیارد دلار می‌رسد.

در سطح راهبردی آن چیزی که به ما کمک می‌کند که واقعیت مذکور (عدم توفیق برجام در جذب سرمایه‌گذاری خارجی) را درک کنیم، اهداف راهبردی آمریکا در قبال ایران است. آمریکا در مواجهه با ایران اهدافی را دنبال می‌کند که تحقق آنها مستلزم جلوگیری از قدرتمند شدن ایران است.

سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری از مهم‌ترین روش‌های افزایش قدرت است و آمریکا تمام تلاش خود را برای جلوگیری از آن انجام داده و می‌دهد. قدیمی‌ترین قانون تحریم ثانویه آمریکا (قانون تحریم ایران، آیسا) مربوط به ایجاد محدودیت در فضای سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران است.

اهداف راهبردی آمریکا در قبال ایران با توافق برجام تغییری نکرد و برجام نیز با همین نگاه از سوی آمریکا دنبال شد، لذا طبیعی است که بعد از توافق آمریکا اجازه ندهد همکاری‌هایی از جنس سرمایه‌گذاری میان ایران و کشورهای دیگر رخ دهد.

بعد از اجرای برجام کشورهای اروپایی خلاف لفاظی‌ها و کارهای نمایشی که انجام دادند (هدف این ک